

نقش آموزش کارآفرینی بر افزایش خلاقیت دانشجویان

* محمد مهدی مردان‌شاهی ** حسنعلی آقاجانی

* دکتری کارآفرینی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری

** دانشیار، عضو هیات علمی، دانشگاه مازندران، بابلسر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲

چکیده

مقاله افزایش جمعیت، تحولات و دگرگونی‌های سریع تکنولوژیک اتفاقی است که فرایند آموزش و هدایت افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، از این رو متناسب نمودن دروس و اهداف آموزشی با تحولات جهانی از وظایف اساسی دولت‌ها در جهت دستیابی به اقتدار و رفاه اجتماعی می‌باشد. از این رو این پژوهش به منظور بررسی نقش آموزش کارآفرینی بر افزایش خلاقیت دانشجویان انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی رشته‌های کشاورزی دانشگاه‌های غیر انتفاعی ساری بود که مجاز بودند درس کارآفرینی را انتخاب کنند. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۲۵ نفر (یک کلاس) به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه استاندارد شده (سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی) در ۳ بعد و با ضریب پایایی ۰,۹۲ است. سطح خلاقیت گروه تجربی و کنترل از طریق پرسشنامه در ابتدا و انتهای ترم سنجیده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های t مستقل و وابسته استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که سلاست فکری، رویاپردازی و خلاقیت گروه تجربی در پس‌آزمون و بعد از آموزش کارآفرینی افزایش یافته است، در حالی که در گروه کنترل افزایش نداشته است. اما عمل‌گرایی گروه تجربی در پس‌آزمون و بعد از آموزش کارآفرینی افزایش نیافته است. با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر بهبود و افزایش ویژگی‌های سلامت فکری، رویاپردازی و خلاقیت و عدم تغییر در ویژگی عمل‌گرایی و نیز مشخص بودن اثر آموزش بر تقویت خلاقیت و زیرمجموعه‌های آن بازنگری و برنامه‌ریزی‌های نوین آموزشی مبتنی بر عمل‌گرایی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، سلامت فکری، عمل‌گرایی، رویاپردازی، دانشجویان

مقدمه

دانش‌نوین دارند. امروزه دانشجویان از مؤسسه‌های آموزش عالی فارغ‌التحصیل و وارد محیطی می‌شوند که به سرعت در حال تغییر و نوآوری است. فنآوری و عوامل مرتبط با آن هر روزه دنیای فرصت‌های شغلی را تغییر می‌دهد و مشاغل جدیدی را ایجاد می‌کنند (کالینس^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). وضعیت اقتصادی و ترکیب جمعیتی امروز، ما را نیازمند یافتن راهکارهایی در صحنه‌ی اقتصادی می‌کند و در این

افزایش جمعیت، تحولات ملی و منطقه‌ای و همچنین دگرگونی‌های سریع تکنولوژیک اتفاقی است که فرایند آموزش و هدایت افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، از این رو هم‌گام‌سازی و متناسب نمودن دروس و اهداف آموزشی با تحولات جهانی از وظایف اساسی و اجتناب‌ناپذیر دولت‌ها در جهت دستیابی به اقتدار و رفاه اجتماعی می‌باشد. در این بین دانشگاه‌ها از طریق پژوهش و پرورش دانشجویان و متخصصان نقشی کاربردی و زیربنایی در توسعه علوم و

¹ - Collins

۲۰۰۵). آموزش کارآفرینی را می توان از عوامل اصلی توسعه ی قابلیت های ایجاد ارزش اقتصادی و ابزار کارآمدی برای دولت ها و دانشگاه ها برای توسعه ی اقتصاد دانش محور دانست. در حقیقت امروزه برنامه های درسی کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته به یکی از مهم ترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاهی تبدیل شده است (احمدپور، ۱۳۸۲). لذا با توجه به آن که ارائه ی آموزش کارآفرینی در رشته های مختلف یکی از راه بردهای حل مشکلات آموزشی و پژوهشی در رشته های دانشگاهی می باشد (بلاک و استامپ، ۱۹۹۲، به نقل از یدالهی و میر عرب رضی) و با توجه به نظر گاروان مبنی بر ضرورت، طرح های تحقیقات طولی با استفاده از گروه کنترل برای بررسی تأثیرات طولانی مدت مداخلات آموزش کارآفرینی، برای مقایسه ی شرکت کنندگان یا افرادی که تجربه ی آموزش کارآفرینی را نداشته اند (کولت^۷، ۲۰۰۵)، پژوهش طولی حاضر با استفاده از گروه کنترل به دنبال یافتن پاسخ این پرسش است که: " آیا آموزش کارآفرینی بر سطح خلاقیت دانشجویان تاثیر می گذارد؟"

بنابراین فرضیه ی کلی عبارت است از:

– آموزش کارآفرینی بر افزایش سطح خلاقیت دانشجویان تاثیر می گذارد.

و فرضیه های فرعی این پژوهش نیز عبارت است از:

۱- آموزش کارآفرینی بر افزایش سطح رویا پردازی دانشجویان تاثیر دارد.

۲- آموزش کارآفرینی بر افزایش سطح عمل گرایی دانشجویان تاثیر دارد.

۳- آموزش کارآفرینی بر افزایش سطح سلاست فکری دانشجویان تاثیر دارد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

شواهد بسیاری در جهان وجود دارد که نظریه ی اکتسابی بودن کارآفرینی را تأیید می کنند و این موضوع سرمایه گذاری های عظیم در آموزش و پرورش کارآفرینی را توجیه می کند. امروزه بیشتر دانشگاه ها به توسعه ی برنامه های آموزش کارآفرینی و مبادله ی تجارب خود علاقه مندند

راستا داشتن الگوها و راهکارهای مناسب برای آموزش، تربیت و استفاده بهینه از نیروی فعال و کارآفرین در جوامع، (طیبی و فخری، ۱۳۸۹) و برنامه هایی برای تشویق دانشجویان به کارآفرین شدن و شناخت عوامل و فرایندهای تصمیم سازی که منجر به کارآفرین شدن آنها می شود، ضروری است (انگل^۲، ۲۰۱۰). از این رو کشورهای در حال توسعه مانند ایران نیز برای دست یابی به مزیت های رقابتی و حل مسائل و مشکلات عمومی جامعه مانند بیکاری و نظایر آن ملزم به توسعه ی کارآفرینی هستند. کارآفرینی باعث رشد و توسعه ی اقتصادی کشورها و به ویژه کشورهای توسعه یافته شده است (نبی و لینان^۳، ۲۰۱۱). از جمله اقدامات راهبردی برای رشد و توسعه ی کارآفرینی، آموزش کارآفرینی به ویژه در حوزه ی آموزش عالی است. افزون بر آن آموزش کارآفرینی می تواند یکی از اثرگذارترین شیوه ها برای انتقال آسان جمعیت فارغ التحصیلان به بازار کار باشد. مطالعات در این باره نشان داده است که چنین آموزش هایی توانسته افراد را مسئولیت پذیرتر نماید و آن ها را تبدیل به کارآفرین یا متفکران حوزه ی کارآفرینی کرده و به طور چشمگیری در چالش های کسب و کار موفق نماید. در نتیجه نرخ بیکاری و شکست کسب و کارها کم تر شده است (اوربانو^۴ و همکاران، ۲۰۰۸). آموزش کارآفرینی امروزه دیگر به یکی از مهم ترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاهی تبدیل شده است و این نظام آموزشی در صورتی اثربخش و کارآمد خواهد بود که بتواند با ایجاد بسترهای لازم منابع انسانی در حال آموزش خویش را به دانش، مهارت و ویژگی های کارآفرینان تجهیز کند و روحیه کارآفرینی را در آن ها پرورش دهد (ماتویک^۵، ۲۰۱۰). روند رشد کارآفرینی و اثرگذاری آموزش های کارآفرینی و به دنبال آن توسعه آموزش های تخصصی کارآفرینی نشان می دهد که آموزش کارآفرینی نه تنها باعث رشد کمی کارآفرینان شده است، بلکه تحول در نسل های کارآفرینی و ارتقای سطح مهارت کارآفرینی را نیز در پی داشته است (هنری، هیل و لایتج^۶،

2 - Engle

3 - Nabi and Linan

4 - Urbano

5 - Matviuk

6 - Henry, Hill, and Leitch

(یونسکو، ۱۹۹۰، به نقل از احمدی، ۱۳۸۳). به رغم وجود بحث های مختلف و اظهار نظرهای متضاد، اکثر مطالعات در سطح خرد و کلان نشان داده اند که کارآفرینی قابل آموزش و یادگیری است. برخی مطالعات در سطح خرد نشان داده اند که افراد شرکت کننده در این گونه دوره های آموزشی نسبت به کسانی که در دیگر دوره های شغلی شرکت کرده اند، کسب و کارهای بیش تری را راه اندازی کرده اند. مطالعات سطح کلان نیز نشان داده است که آموزش دانش و مهارت های کارآفرینانه بر افزایش نرخ راه اندازی و رشد بنگاه های اقتصادی اثر مستقیم و مثبت دارد و باعث توسعه ی اقتصادی و بهبود کمی و کیفی بنیان گذاران کسب و کارهای جدید خواهد شد (مردانشاهی، ۱۳۹۳). در واقع، این نوع آموزش، فعالیتی به حساب می آید که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه اندازی و اداره ی کسب و کار استفاده می شود و افزایش، بهبود و توسعه ی نگرش ها، مهارت ها و توانایی های افراد غیر کارآفرین را در پی خواهد داشت. آموزش کارآفرینی که به طور کلی فرایندی نظام مند، آگاهانه و هدف گرا است و طی آن افراد غیر کارآفرین ولی دارای توان بالقوه به صورتی خلاق تربیت می شوند (ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵). خلاقیتی که در واقع رمز بقا و کلید موفقیت افراد و سازمان ها شناخته شده است. تحولات پرشتاب جهانی در علم و تکنولوژی، صنعت، مدیریت و به طور کلی ارزش ها و معیارها، بسیاری از سازمان ها و شرکت های موفق جهان را بر آن داشته که اهداف، گرایش و علایق خود را در جهت بکارگیری خلاقیت هدایت کنند. صاحب نظران، خلاقیت را محور حرکت جهانی در قرن ۲۱ می دانند. جهانی که پیش روی ما در حال شکل گرفتن است ایجاب می کند که رویکردهای ما بیش از گذشته با خلاقیت آمیخته شود (فلاح شمس و همکاران، ۱۳۹۱). به عقیده بنتلی^۸ خلاقیت عبارت است از به کارگیری دانش و مهارت ها در راه های جدید برای دستیابی به نتایج ارزشمند (بنتلی، ۲۰۰۲)، بارزمن^۹ خلاقیت را فرآیند شناختی از به وجود آمدن یک ایده، مفهوم، کالا یا کشفی بدیع می داند (شهرآرای و مدنی پور، ۱۳۷۵) و

تورنس^{۱۰} فرایند حساس شدن به مسائل، نقص ها، پیدا کردن نقاط مبهم در معلومات، مشخص نمودن مشکل، جستجو برای راه حل، حدس زدن و صورت بندی فرضیه ها درباره نواقص، آزمون فرضیه ها، تغییر در فرضیه ها و آزمون مجدد آنها و در نهایت اتصال عناصر مختلف به یکدیگر را خلاقیت می شمارد (تسبیح سازان، ۱۳۸۰). از نظر مفهومی خلاقیت را در سه عامل طبقه بندی نموده اند. یعنی خلاقیت به صورت یک خصیصه واحد نبوده و شامل خصیصه های فرعی مجزا و قابل شناسایی است. این سه خصیصه "ابتکار عمل یا نوآوری"، "رویاپردازی" و "سلاست فکری" نام گرفتند (کردنائیج و همکاران، ۱۳۸۶). به عبارتی خلاقیت به سه عامل تقسیم شد؛ نخست در حیطه ی خیالی (رویا پردازی)، دوم در حوزه ی فکری (سلاست فکری) و سوم در قلمرو عملی (عمل گرایی)، (کردنائیج و همکاران، ۱۳۸۶).

تحقیقات و پژوهش های زیادی نشان داده اند که خلاقیت در انسان ها قابل پرورش است و بیشتر به عنوان یک استعداد اکتسابی محسوب می گردد تا یک استعداد ذاتی. دیدگاه های کنونی خلاقیت را به عنوان استعداد و توانایی در نظر می گیرند که در فراگیران قابل پرورش می باشد و در واقع حاصل تعامل بین دانش، مهارت و انگیزش است (بدلی و همکاران، ۱۳۹۲). در همین راستا حجازی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق با عنوان تاثیر آموزش کارآفرینی بر خلاقیت شغلی و کیفیت زندگی دانش آموختگان ساکن شهرستان رشت نتیجه می گیرند که آموزش کارآفرینی بر خلاقیت شغلی بطور مستقیم اثرگذار بوده و می تواند منجر به افزایش آن در افراد شود. سرمد و مظاهری (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر آموزش کارآفرینی بر توانمند سازی توان یابان، آموزش کارآفرینی را باعث پرورش خلاقیت می داند. در پژوهشی دیگر با عنوان بررسی سنجش میزان روحیه کارآفرینی و عوامل موثر بر آن در بین آموزش دیدگان دوره کارآفرینی در مقایسه با آموزش ندیدگان در بین کارآموزان اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان زنجان، نتایج میرمحمد رضایی و همایونی (۱۳۹۰)، نشان داد: که روحیه کارآفرینی کارآموزانی که آموزش دیده اند در مقایسه با کارآموزانی

⁸ - Bentley

⁹ - Barzmann

برای تدوین مطالب مرتبط با مبانی نظری و پیشینه های پژوهش علاوه بر روش کتابخانه ای و مراجعه به منابع علمی، پژوهشی، مراجعه به اسناد و اینترنت، از ابزار پرسشنامه استاندارد شده (سنجش ویژگی های شخصیتی کارآفرینان ایرانی تهیه شده توسط اسداله کردنائیج و همکاران در سال ۱۳۸۶) با طیف لیکرت چهار گزینه ای با گزینه های کاملاً موافقم، نسبتاً موافقم، نسبتاً مخالفم و کاملاً مخالفم جهت دریافت اطلاعات منطبق با اهداف تحقیق استفاده شده است. برای بررسی اعتبار ابزار بومی شناسی کارآفرینان ایرانی طبق معمول از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که در نهایت با محاسبه آلفای کرونباخ^{۱۱} (توسط طراحان پرسشنامه) به میزان ۰/۹۲ پایایی پرسشنامه مورد تایید قرار می گیرد. برای محاسبه امتیاز پاسخگویان در مورد هر یک از موارد و تفسیر نتایج گردآوری شده به شیوه جدول (۱) عمل گردید.

جدول (۱) نحوه محاسبه امتیاز پاسخگویان

مورد	بسیار ضعیف	ضعیف	قوی	بسیار قوی
رویاپردازی	۷-۱۹	۱۹-۲۱	۲۱-۲۳	۲۳-۲۸
عمل گرایی	۸-۲۵	۲۵-۲۸	۲۸-۳۰	۳۰-۳۲
سلاست فکری	۱۳-۳۴	۳۴-۴۸	۴۸-۵۳	۵۳-۶۰
خلاقیت	۲۸-۷۸	۷۸-۹۷	۹۷-۱۰۶	۱۰۶-۱۲۰

یافته های پژوهش:

اطلاعات جمعیت شناختی پژوهش نشان می دهد که از ۲۵ نفر دانشجو که به عنوان نمونه انتخاب شده بودند، ۶۴ درصد (۱۶ نفر) دانشجویان مورد مطالعه زن و ۳۶ درصد (۹ نفر) مرد و میانگین سنی آزمودنی ها ۲۱ سال بود.

آموزش ندیده در ابعاد (توفیق طلبی، نیاز به استقلال، خلاقیت، تحمل ابهام، مرکز کنترل، تمایل به مخاطره) بالاتر بوده به گونه ای که می توان از کارکرد مثبت آموزش های کارآفرینی در جهت افزایش روحیه کارآفرینی و به تبع آن ایجاد اشتغال و موتور توسعه اقتصادی یاد کرد. اما ظهور خلاقیت، مستلزم ایجاد بستر مناسب برای رشد و توسعه است و برای گسترش این توانایی باید موانع و عوامل آن را بررسی و شناسایی کرد تا بتوان زمینه را برای رشد این توانمندی فراهم آورد(اخلاقی، ۱۳۹۰).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر نیمه تجربی بود. در این روش محقق به کنترل و نظارت برخی از عوامل می پردازد. در این پژوهش شرکت کنندگان در کلاس آموزش کارآفرینی در گروه تجربی و تعدادی دیگر از دانشجویان که این درس را انتخاب نکردند، به عنوان اعضای گروه کنترل در نظر گرفته شدند. اعضای گروه تجربی همگی در یک زمان و مکان و تحت نظر یک استاد در طول ترم تحصیلی آموزش کارآفرینی را دریافت کردند. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی رشته های کشاورزی دانشگاه های غیر انتفاعی ساری بود که مجاز بودند درس کارآفرینی را در ترم دوم سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ انتخاب کنند. در این پژوهش به دلیل پایین بودن تعداد نمونه ها که به یک کلاس (۲۵ نفر) محدود می گشت، از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد. سپس به تعداد اعضای گروه تجربی از بین دانشجویانی که این درس را انتخاب نکرده بودند ۲۵ نفر به صورت همتا سازی با گروه تجربی از نظر سن، جنسیت، رشته و سال ورود گزینش شدند و در گروه کنترل جای گرفتند. ۲۵ نفر گروه تجربی آموزش کارآفرینی را دریافت کردند و ۲۵ نفر گروه کنترل آموزش کارآفرینی را دریافت نمودند. سطح خلاقیت گروه تجربی و کنترل از طریق پرسشنامه یک بار در ابتدای ترم و قبل از شروع آموزش کارآفرینی و یک بار هم در انتهای ترم و در پایان آموزش کارآفرینی سنجیده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار های SPSS و آزمون های t مستقل و وابسته استفاده گردید.

جدول (۲) نتایج تحلیل t همبسته پیش آزمون و پس آزمون ویژگی خلاقیت در گروه تجربی و کنترل

متغیر	پیش آزمون		پس آزمون		T	درجه آزادی	سطح معناداری	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد				
گروه تجربی	۲۲/۶۴	۳/۶۷	۲۶/۰۸	۳/۵۸	۳/۲۵	۲۴	۰/۰۰۳	سلاست فکری
	۱۹/۹۲	۶/۱۸	۱۷/۵۶	۶/۸۸	۱/۱۸	۲۴	۰/۲۴۹	عملگرایی
	۳/۶۸	۳/۹۲	۷/۷۲	۳	۴/۲۴	۲۴	۰/۰۰۰	رویاپردازی
	۴۵/۵۶	۴/۵۸	۵۱/۳۶	۳/۱۲	۱۵/۱۴	۲۴	۰/۰۰۰	خلاقیت
گروه کنترل	۲۳/۱۶	۲/۹۵	۲۳/۸۴	۳/۰۲	۰/۸۵۷	۲۴	۰/۴	سلاست فکری
	۱۸/۹۶	۴/۶۲	۱۷/۶	۴/۴۱	۱/۱۳	۲۴	۰/۲۷۰	عملگرایی
	۵	۱/۱۵	۵/۳۶	۱/۴۱	۱/۰۲۷	۲۴	۰/۳۱۵	رویاپردازی
	۴۷/۱۲	۴/۶۳	۴۶/۸	۲/۵۹	۰/۳۲۳	۲۴	۰/۷۴۹	خلاقیت

اما در بررسی فرضیات پژوهش نتایج زیر مطابق با جدول شماره ۲ به دست آمده است:

فرضیه ۱. آموزش کارآفرینی بر افزایش سطح سلاست فکری دانشجویان تاثیر دارد.

نتایج تحلیل داده ها مطابق با جدول ۲ نشان می دهد که میانگین نمرات سلاست فکری گروه تجربی در پیش آزمون و پس آزمون با توجه به $t=۳/۲۵$ و در سطح معناداری $p=۰/۰۰۳$ تفاوت معناداری دارد، ولی میانگین نمرات روپا پردازی گروه کنترل در پیش آزمون و پس آزمون با توجه به $t=۱/۰۲۷$ و در سطح معناداری $p=۰/۳۱۵$ تفاوت معناداری ندارد. بنابر این روپا پردازی گروه تجربی در پس آزمون و در مقایسه با پیش آزمون و بعد از آموزش کارآفرینی افزایش یافته است، در حالی که روپا پردازی گروه کنترل افزایش نداشته است.

در نهایت میانگین نمرات خلاقیت گروه تجربی در پیش آزمون و پس آزمون با توجه به $t=۱۵/۱۴$ و در سطح معناداری $p=۰/۰۰۰$ تفاوت معناداری دارد، ولی میانگین نمرات خلاقیت گروه کنترل در پیش آزمون و پس آزمون با توجه به $t=۰/۳۲۳$ و در سطح معناداری $p=۰/۷۴۹$ تفاوت معناداری ندارد. بنابر این خلاقیت گروه تجربی در پس آزمون و در مقایسه با پیش آزمون و بعد از آموزش کارآفرینی افزایش یافته است، در حالی که خلاقیت گروه کنترل افزایش نداشته است.

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که میانگین نمرات ویژگی های سلاست فکری، عملگرایی، رویاپردازی و در نهایت خلاقیت در پیش آزمون و پس آزمون با توجه به $t=۱/۱۳$ و در سطح معناداری $p=۰/۲۷۰$ تفاوت معناداری ندارد. بنابر این عملگرایی گروه تجربی در پس آزمون و در مقایسه با پیش آزمون و بعد از آموزش کارآفرینی افزایش نیافته است.

فرضیه ۳. آموزش کارآفرینی بر افزایش سطح روپا پردازی دانشجویان تاثیر دارد.

میانگین نمرات سلاست فکری گروه تجربی در پیش آزمون و پس آزمون با توجه به $t=۳/۲۵$ و در سطح معناداری $p=۰/۰۰۳$ تفاوت معناداری دارد، ولی میانگین نمرات سلاست فکری گروه کنترل در پیش آزمون و پس آزمون با توجه به $t=۰/۸۵۷$ و در سطح معناداری $p=۰/۴$ تفاوت معناداری ندارد. بنابر این سلاست فکری گروه تجربی در پس آزمون و در مقایسه با پیش آزمون و بعد از آموزش کارآفرینی افزایش یافته است، در حالی که سلاست فکری گروه کنترل افزایش نداشته است.

فرضیه ۲. آموزش کارآفرینی بر افزایش سطح عمل گرایی دانشجویان تاثیر دارد.

میانگین نمرات عمل گرایی گروه تجربی در پیش آزمون و پس آزمون با توجه به $t=۱/۱۸$ و در سطح معناداری $p=۰/۲۴۹$ تفاوت معناداری ندارد. میانگین نمرات عمل گرایی گروه کنترل نیز در پیش آزمون و پس آزمون با توجه به $t=۱/۱۳$ و در سطح معناداری $p=۰/۲۷۰$ تفاوت معناداری ندارد. بنابر این عمل گرایی گروه تجربی در پس آزمون و در مقایسه با پیش آزمون و بعد از آموزش کارآفرینی افزایش نیافته است.

فرضیه ۳. آموزش کارآفرینی بر افزایش سطح روپا پردازی دانشجویان تاثیر دارد.

جدول (۳) نتایج تحلیل t مستقل ویژگی خلاقیت در گروه تجربی و کنترل در پیش آزمون

متغیر	گروه تجربی		گروه کنترل		T	درجه آزادی	سطح معناداری
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد			
سلاست فکری	۲۲/۶۴	۳/۶۷	۲۳/۱۶	۲/۹۵	۰/۵۵	۴۸	۰/۵۸۴
عملگرایی	۱۹/۹۲	۶/۱۸	۱۸/۹۶	۴/۶۲	۰/۶۲	۴۸	۰/۵۳۷
رویاپردازی	۳/۶۸	۳/۹۲	۵	۱/۱۵	۱/۶۱	۴۸	۰/۱۱۳
خلاقیت	۴۵/۵۶	۴/۵۸	۴۷/۱۲	۴/۶۳	۱/۱۹	۴۸	۰/۲۳۸

پیش آزمون

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که بعد از آموزش کارآفرینی، میانگین نمرات ویژگی های سلاست فکری، رویاپردازی و در نهایت خلاقیت بیشتر از گروه کنترل بوده است و با توجه به $t=5/61$ و در سطح معناداری $p=0/000$ در این ویژگی ها تفاوت معنادار است. بنابراین بعد از اجرای برنامه آموزش کارآفرینی ویژگی های سلاست فکری، رویاپردازی و در نهایت خلاقیت گروه تجربی در پس آزمون افزایش یافته است ولی در گروه کنترل افزایش صورت نگرفته است. اما در ویژگی عملگرایی با

توجه به $t=0/024$ و در سطح معناداری $p=0/981$ تفاوت معناداری وجود نداشته است. لذا بعد از اجرای برنامه آموزش کارآفرینی ویژگی عملگرایی گروه تجربی در پس آزمون افزایش نیافته است. نتایج جدول های ۱، ۲ و ۳ نشان می دهد که آموزش های کارآفرینی به جز ویژگی عملگرایی، بر دیگر ویژگی های دانشجویان (سلاست فکری، رویاپردازی و خلاقیت) تاثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول (۴) نتایج تحلیل t مستقل ویژگی خلاقیت در گروه تجربی و کنترل در پس آزمون

متغیر	گروه تجربی		گروه کنترل		T	درجه آزادی	سطح معناداری
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد			
سلاست فکری	۲۶/۰۸	۳/۵۸	۲۳/۸۴	۳/۰۲	۲/۳۹	۴۸	۰/۰۲۱
عملگرایی	۱۷/۵۶	۶/۸۸	۱۷/۶	۴/۴۱	۰/۰۲۴	۴۸	۰/۹۸۱
رویاپردازی	۷/۷۲	۳	۵/۳۶	۱/۴۱	۳/۵۵	۴۸	۰/۰۰۱
خلاقیت	۵۱/۳۶	۳/۱۲	۴۶/۸	۲/۵۹	۵/۶۱	۴۸	۰/۰۰۰

پس آزمون

از نظر تاثیر آموزش بر جنسیت نیز همانطور که نتایج جدول ۵ نشان می دهد پس از آموزش کارآفرینی بین پسرها و دخترهای دانشجوی مورد بررسی، در ویژگی های سلاست فکری، عمل

گرایی، رویاپردازی و در نهایت خلاقیت اختلاف معنی داری وجود ندارد.

جدول (۵) نتایج تحلیل t مستقل در دانشجویان پسر و دختر گروه تجربی در پس آزمون

ویژگی	جنسیت	میانگین	فراوانی	انحراف معیار	آزمون T	سطح معناداری
سلاست فکری	پسر	۲۵/۸۸۸	۹	۳/۳۷۰	۰/۱۹۶	۰/۸۴۶
	دختر	۲۶/۱۸۷	۱۶	۳/۷۹۸		
عمل گرایی	پسر	۱۷/۳۳۳	۹	۷/۳۱۸	۰/۱۲۱	۰/۹۰۵
	دختر	۱۷/۶۸۷	۱۶	۶/۴۴۲		
رویاپردازی	پسر	۷/۷۷۷	۹	۲/۹۰۵	۰/۰۷۱	۰/۹۴۴
	دختر	۷/۶۸۷	۱۶	۳/۱۵۶		
خلاقیت	پسر	۵۱	۹	۶/۱۴۴	۰/۲۴۰	۰/۸۱۳
	دختر	۵۱/۵۶۲	۱۶	۵/۳۴۱		

بحث و نتیجه گیری:

نیروی انسانی ماهر، متخصص و کارآفرین به عنوان یکی از مهم ترین عوامل توسعه به شمار می رود و دانشگاه ها و مراکز آموزشی، به عنوان تامین کننده و پرورش دهنده نیروی انسانی مورد نیاز جامعه، در صورت برخورداری از برنامه های مدون و مناسب می توانند نقش خود را به درستی ایفا نمایند. برای تحقق کارکرد اصلی دانشگاه ها - گسترش مرزهای دانش و تولید علم- بررسی برنامه های موجود و تدوین برنامه های آموزشی مناسب جهت تقویت خلاقیت و نوآوری در دانشجویان امری ضروری است. این تحقیق با هدف بررسی نقش آموزش کارآفرینی بر افزایش خلاقیت دانشجویان از طریق بررسی دو گروه کنترل و تجربی شکل گرفته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که آموزش های کارآفرینی تاثیر مثبت و معناداری بر ویژگی های سلاست فکری، رویاپردازی و خلاقیت دانشجویان مورد مطالعه داشته است. به عبارتی دیگر بر اساس این یافته ها از یک سو می توان گفت که کارآفرینی و خلاقیت قابل آموزش می باشد که با نتایج تحقیقات کوریسکی (۱۹۹۵)، برجیا (۱۹۹۶)، راشید (۲۰۰۰)، براون (۲۰۰۰) و آرنولفو (۲۰۰۰) نیز همسو می باشد. از سوی دیگر آموزش تاثیر مثبت بر خلاقیت داشته است که این نتیجه نیز با نتایج تحقیقات حجازی و حسینی مقدم (۱۳۹۲)، سرمد و مظاهری (۱۳۹۰)، آراستی، سعید بنادکی و ایمانی پور (۱۳۹۰)، میر محمد رضایی و همایونی (۱۳۹۰)، باقرصاد، زالی، رضوی و سعید بنادکی (۱۳۹۲) هم سو می باشد. از نظر تاثیر آموزش کارآفرینی بر جنسیت نیز بین پسرها و دخترهای دانشجوی مورد بررسی، در ویژگی های سلاست فکری، عمل گرایی، رویاپردازی و در نهایت خلاقیت اختلاف معنی داری وجود ندارد. به عبارتی نقش آموزش در هر دو جنس یکسان بوده و تفاوت معنی داری در این خصوص مشاهده نشده است. این عدم اختلاف با نتایج یارایی (۱۳۸۳)، قاسم نژاد (۱۳۸۹)، کرمی و همکاران (۱۳۹۱) و مردانشاهی (۱۳۹۲) در خصوص عدم وجود رابطه معنی دار بین جنسیت و خلاقیت هم خوانی دارد. اما نتایج نشان می دهد که آموزش های کارآفرینی بر ویژگی عملگرایی تاثیر مثبت و معناداری ندارد. لذا بعد از اجرای برنامه آموزش کارآفرینی ویژگی عملگرایی گروه تجربی در پس آزمون افزایش نیافته است. به عبارتی دیگر اثر آموزش کارآفرینی بر سه حیطه ی خلاقیت به یک میزان نبوده است و در حیطه ی خیالی (رویا پردازی) و حوزه ی فکری (سلاست

فکری) موثر اما در حیطه ی سوم، در قلمرو عملی (عمل گرایی) علیرغم اهمیت آن در تقویت مهارت و اشتغال دانشجویان رشته های کشاورزی نتوانسته است انتظارات مورد نظر را برآورده سازد. در واقع سیستم آموزشی بر دستیابی به دانش و توانایی تجزیه و تحلیل آن تاکید زیادی دارد اما بر کمک به دانش آموزان در کسب مهارت های خاص و استفاده از دانش توجه کمی دارد. به عبارتی روش آموزش فعلی برای رشد و پرورش کارآفرینان مناسب نیست و برنامه درسی باید رشد کارآفرینان را در نظر داشته باشد (براون، ۲۰۰۰، نقل از مشایخ ۱۳۸۶).

مجموع این نتایج بیانگر آن است که دانشگاه ها باید در خصوص بهبود حیطه ی عمل گرایی ویژگی خلاقیت به عنوان یکی از شاخصه های استعداد های کارآفرینانه موفق تر عمل نمایند. چراکه با توجه به تعاریف موجود از خلاقیت و نقش دانش و مهارت در بروز، شکوفایی و تقویت آن از جمله دیدگاه بنتلی^{۱۲} مبتنی بر این که، خلاقیت عبارت است از به کارگیری دانش و مهارت ها در راه های جدید برای دستیابی به نتایج ارزشمند (بنتلی، ۲۰۰۲)، و همچنین با توجه به بالا بودن نرخ بیکاری، افزایش نرخ فارغ التحصیلان بیکار، جوان بودن کشور و افزایش نرخ تقاضا برای آموزش عالی، و اهمیت ویژه گسترش و توسعه ی آموزش کارآفرینی در کشور و نیز مشخص بودن اثر آموزش و پرورش بر تقویت خصایص کارآفرینانه برنامه ریزی های جدی و نوین آموزشی ثمربخش خواهد بود.

لذا با توجه به کاستی دانشجویان مورد مطالعه در ویژگی عملگرایی و همچنین به منظور ارتقای نقش آموزش کارآفرینی بر افزایش خلاقیت دانشجویان، راه کارهای زیر پیشنهاد می گردد:

- محتوی دروس و شیوه های تدریس متناسب و با تاکید بر تقویت خلاقیت دانشجویان بازبینی گردد.
- با تدارک ابزار های کمک آموزشی به ویژه ابزار های آموزشی مبتنی بر فناوری های نوین و بهره گیری متناسب از آن ها در جوار دروس تئوری زمینه تسهیل در فرآیند یادگیری و نهادینه نمودن آموزش ها را فراهم آورند.
- برگزاری دوره ها و کارگاه های عملی همچنین بازدید های علمی، دوره های کارآموزی و کارورزی مورد توجه جدی تر قرار گیرد.

- ۸- ذبیحی، محمدرضا؛ مقدسی، علیرضا(۱۳۸۵). کارآفرینی از تئوری تا عمل، چاپ دوم. مشهد: نشر جهان فردا.
- ۹- حجازی، سید رضا. حسینی مقدم، سید محمد رضا (۱۳۹۲) تاثیر آموزش کارآفرینی بر خلاقیت شغلی و کیفیت زندگی دانش آموختگان ساکن شهرستان رشت. ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۶۵، بهمن، صفحات ۷۷-۷۰
- ۱۰- سرمد، غلامعلی. مظاهری، ساناز. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر آموزش کارآفرینی بر توانمندی سازی توان یابان. فصلنامه همیار، سال چهاردهم، شماره ۵۴. صفحات ۱۴۵-۱۳۲.
- ۱۱- شهرآرای، مهرناز و رضا مدنی پور(۱۳۷۵)، سازمان خلاق و نوآور، فصل نامه دانش مدیریت، شماره های ۳۳ و ۳۴. صفحات ۴۸-۳۹.
- ۱۲- طیبی، سید کمیل؛ فخری، مریم (۱۳۸۹)، آثار جهانی شدن و تجارت بین الملل بر توسعه کارآفرینی، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره نهم. صفحات ۵۵-۳۷.
- ۱۳- فلاح شمس، میر فیض؛ بوداقی خواجه نوبر، حسین، دلنواز اصغری، بیتا(۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین هوش سازمانی و خلاقیت کارکنان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، فراسوی مدیریت، سال ششم، شماره ۲۱، صفحات ۱۶۶-۱۴۹.
- ۱۴- قاسم نژاد مقدم، نیما (۱۳۸۹)، ارزیابی میزان کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم، شماره ۱، صفحات ۲۰-۱.
- ۱۵- کرد نائج، اسد اله و همکاران (۱۳۸۶)، ابزار سنجش ویژگی های شخصیتی کارآفرینان ایرانی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۶- کرمی داربخانی، رویا و همکاران (۱۳۹۱)، نقش سبک های تفکر در خلاقیت دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه کشاورزی رازی کرمانشاه)، فصل نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۱، صفحات ۸۳-۵۹.
- ۱۷- مرداناشاهی، محمد مهدی(۱۳۹۲)، بررسی سطح خلاقیت و ریسک پذیری دانشجویان رشته های کشاورزی، فصل نامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره سوم، شماره ۳، صفحات ۲۳-۱.
- ۱۸- مرداناشاهی، محمد مهدی(۱۳۹۳)، کارآفرینی و ویژگی های کارآفرینان، چاپ اول، ساری، انتشارات آوای مسیح.

- اجرای جشنواره ها و نمایشگاه های طرح ها و دستاوردهای خلاقانه دانشجویان در جهت ایجاد انگیزه و تقویت نگرش خلاقانه دانشجویان.
- تدوین برنامه های حمایتی از طرح ها و ابتکارات کاربردی دانشجویان.
- تدارک زمینه بحث و تبادل نظر دانشجویان با کارآفرینان و افراد خلاق و بهره گیری عملی از تجارب آن ها.

منابع:

- ۱- آراستی، زهرا؛ سعیدبنادکی، سعیده؛ ایمانی پور، نرگس(۱۳۹۰). نقش آموزش درس " مبانی کارآفرینی " در قصدکارآفرینی دانشجویان رشته های غیر مدیریت (مطالعه موردی :دانشکده های هنر و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران). فصل نامه توسعه کارآفرینی، سال چهارم، شماره چهاردهم، زمستان، صفحات ۱۲۴-۱۰۷.
- ۲- احمدپور داریانی، محمود(۱۳۸۲). آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاهها را تغییر می دهد؟ فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۲۹، صفحات ۲۷-۱۵.
- ۳- احمدی، محمد(۱۳۸۳). نیاز سنجی آموزشی کارآفرینی رشته برق مقطع کارشناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۴- اخلاقی، مجید(۱۳۹۰)، تاثیر رسانه های آموزشی در بعد تجهیزات آزمایشگاهی بر افزایش خلاقیت دانش آموزان دوره راهنمایی شهرستان همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.
- ۵- باقرصاد، وجیه؛ زالی، محمدرضا؛ رضوی؛ مصطفی، سعید بنادکی، سعیده (۱۳۹۲). تاثیر آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینی دانشجویان رشته های فنی و حرفه ای، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال ششم، شماره ۲۲، صفحات ۳۶-۲۱.
- ۶- بدلی، مهدی؛ دانا مزرعه، علی؛ فرخی تیرانداز، سوسن؛ حرفه دوست، منصور (۱۳۹۲)، بررسی تاثیر به کارگیری کارپوشه الکترونیکی بر میزان خلاقیت دانشجویان، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره سوم، شماره سوم، صفحات ۶۷-۴۵.
- ۷- تسبیح سازان، رضا، (۱۳۸۰)، روانشناسی رشد خلاقیت و ارتباط آن با شخصیت و هوش. مجله رهیافت، شماره ۲۶. صفحات ۳۰-۱۷.

27- Collins, L., Hannon, P.D. & Smith, A. (2004). "Enacting entrepreneurial intent: the gaps between student needs and higher education capability". *Education+ training*, 46(8/9), pp 454-463.

28- Engle, R.L., Dimitriadi, N., Gavidia, J.V., Schlaegel, C., Delanoe, S., Alvarado, I., He, X., Buame, S., & Wolf, B. (2010). "Entrepreneurial intent: A twelve-country evaluation of Ajzen model of planned behavior", *international journal of entrepreneurial behavior and research*, 16(1), pp 35-57.

29- Colette Henry, Frances Hill & Claire Leitch (2005), "Entrepreneurship education and training: can entrepreneurship be taught?" Part I, *Journal of Education + Training*, Vol 47, NO.2. pp 98-111.

30-Henry, C, Hill, F, and Leitch, C. (2005). «Can entrepreneurship be taught, part 1. » *Education Training*, Vol.47, pp 98-111.

31-Kourilsky, M. L. (1995). *Entrepreneurship education: Opportunity in search of curriculum*. ERIC Digest, ED 389 347.

32-Matviuk, S.G.(2010). " A Study of Peruvian Entrepreneurs Leadership Expectations ", *Journal of American Academy of Business*, 16(1), pp 65-70.

33- Nabi, G. and Liñán, F. (2011). "Graduate entrepreneurship in the developing world: intentions, education and development", *Education and Training*, Vol. 53, No. 5, pp. 325 – 334.

34- Rashed, H. S. (2000). Developing Entrepreneurial potential in youth: The effect of entrepreneurial education and venture creation. Available at: www.proquest.umi.com.

35- Urbano, D. , Aponte, M. , Toledano, N. (2008). "Doctoral education in entrepreneurship: a European case study", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Vol. 15, No. 2, pp 336 – 347.

۱۹- مشایخ، پری(۱۳۸۶)، بررسی تاثیر آموزش کارآفرینی بر روحیه کارآفرینی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان کازرون، *فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی*، سال دوم، شماره چهارم، صفحات ۱۱۳-۱۰۱

۲۰- میر محمد رضایی، زهرا؛ همایونی، بهزاد(۱۳۹۰) بررسی سنجش میزان روحیه کارآفرینی و عوامل موثر بر آن در بین آموزش دیدگان دوره کارآفرینی در مقایسه با آموزش ندیدگان در بین کارآموزان اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان زنجان، کنفرانس ملی کارآفرینی، تعاون، جهاد اقتصادی در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۹۰ تا ۲۹ آذر ۱۳۹۰ توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد نایین.

www.civílica.com

۲۱- یارایی، علیرضا(۱۳۸۳)، بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان و مقایسه آن با مدیران صنایع. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.

۲۲- یدالهی فارسی، جهانگیر؛ میرعرب رضی، رضا(۱۳۸۸).

بررسی ارایه ی برنامه ی درسی آموزش کارآفرینی در رشته ی علوم تربیتی. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، سال اول، شماره ۳، صفحات ۸۰-۶۱

23- Arnolfo, F. Ito (2000). *Entrepreneurship education: Thailand and selected countries experience*. Office of Private Education Commission of Ministry of Education and Department of Industrial Promotion.

24-Bentley, T.(2002), "Distributed intelligence: learning and creativity", *National College for leadership Leading Edge Seminar, Nottingham*, 22 November, pp 1-12.

25- Briga, H. (1996). Entrepreneurship education and training-introducing entrepreneurship education into non-business discipline. *European Industrial training*, Vol. 20. ISS. 8, pp 10-17.

26- Brown, C. (2000). *Curriculum for entrepreneurship education: a review*. ERIC Digest, ED 452897.